

مسجد و سیاست در عصر سلجوقی (با تأکید بر کارکرد تبلیغی - رسانه‌ای مسجد)

مجید حاجی بابایی^۱
ابراهیم اصلانی ملایری^۲
امامعلی شعبانی^۳

چکیده: "مسجد" به عنوان یکی از دست‌آوردهای پیدایی دین اسلام - در دوران پیامبر(ص) و پس از آن - تنها محل عبادت نبود؛ بلکه مرکز بسیاری از امور اجتماعی و سیاسی نیز به شمار می‌آمد. دوره سلجوقی (۴۲۹-۵۹۰ هـ.ق) به لحاظ مذهبی و سیاسی یکی از دوران‌های مهم در تاریخ ایران و اسلام محسوب می‌شود که در طی آن "مسجد" از اهمیت و جایگاه ممتازی، به ویژه در زمینه‌ی اطلاع‌رسانی، برخوردار گردید.

فراخوان عمومی برای بسیاری از وقایع مهمی که نیاز به حضور یا آگاهی مردم داشت، از طریق مسجد انجام می‌شد. از این رو، مساجد در هنگام جهاد مهم‌ترین عامل تبلیغی و تهییجی برای حمایت از جهاد بودند. با این حال، رویکرد تاریخی به مسجد و کارکردهای آن در عصر سلجوقی کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. هدف از نوشتار حاضر آن است که ضمن توصیف مهم‌ترین کارکردهای تبلیغی - رسانه‌ای مسجد، از طریق واکاوی منابع و روایت‌های تاریخی و در بستر تحولات سیاسی، به تبیین نقش اثرگذار مسجد در اطلاع‌رسانی و آگاهی بخشی در عرصه‌های سیاست و اجتماع بپردازد و تلاش دولت سلجوقی، مخالفان سیاسی آن‌ها و نیز عموم مردم را در استفاده از مسجد به عنوان ابزاری برای فراگیر کردن پیام و خواسته‌های خویش، مورد بررسی قرار دهد. دست‌آورد حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که چگونه در شرایط نبود تکثر فضای عمومی و پیام‌رسانی، مسجد ابزاری مهم، بی‌بدیل و اثرگذار در عرصه‌ی رسانه‌ای - تبلیغی بود و گروه‌های مختلف مردم، متناسب با نیاز خویش، از آن بهره می‌بردند.

واژه‌های کلیدی: سلجوقیان، مسجد، تبلیغ، جهاد، ملازگرد، جنگ‌های صلیبی

۱ استادیار گروه تاریخ دانشگاه اراک m-hajibabae@araku.ac.ir

۲ استادیار گروه تاریخ دانشگاه اراک aslani.Ebrahim@gmail.com

۳ استادیار گروه تاریخ دانشگاه اراک shabani.2009@gmail.com

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۲/۲۱، تاریخ تأیید: ۹۰/۲/۲۴

مقدمه

یکی از ویژگی های مهم ادیان بزرگ، داشتن محلی برای اجتماع و نیایش دسته جمعی پیروان است. این گردهم آیی مؤمنان می تواند انگیزه ها و اهداف گوناگون داشته باشد. اهداف و چگونگی تحقق آن بسته به نگرش کلان و ماهیت ادیان دارد. اگر دینی دارای ابعاد اجتماعی و سیاسی باشد، در کنار بُعد معنوی و معطوف به تجربه ی دینی، سایر وجوه نیز در اجتماعات مؤمنان برجسته می گردد. در اسلام نیز «مسجد»، به عنوان عمومی ترین و در دسترس ترین مکان برای اجتماع روزانه، در کنار کعبه، به عنوان نماد وحدت مسلمانان، بنیان نهاده شد. لیکن باید توجه داشت، با توجه به سرشت و ماهیت اسلام، مسجد تنها جایگاه عبادت و نیایش نبود، بلکه نمادی بود با کارکردهای مهم، متعدد و متنوع سیاسی - اجتماعی: کانون هدایت و ارشاد، کانون آموزش و علم آموزی، پایگاه جهاد و نهضت، مقر قضات و قضاوت، قرارگاه سیاسی دولت، مرکز تعاون اجتماعی، محل خطبه خوانی، محل اعتراض سیاسی، محل بسیج سیاسی و نظامی برای جهاد با کفار، محل قتل های سیاسی و ...

در دوره های مختلف تاریخ اسلام، مسجد نقشی مهم و محوری داشته و به نوعی مهم ترین مسائل و چالش های جامعه در عرصه های گوناگون در مسجد شکل گرفته است. اما میزان تأثیرگذاری و چگونگی آن از دوره ای به دوره ی دیگر تفاوت داشته است. همچنین، میزان توجه منابع و ارائه ی گزارشی از تحولات مرتبط با مسجد، منسجم و همه جانبه نیست. به این معنی که، به دلیل توجه خاص به بزرگان و حاکمان در متون تاریخی، به موضوع های مستقل اجتماعی پرداخته نشده است. لاجرم، نقش مسجد در کنار این تحولات مطرح گردیده است. همین پراکندگی و عدم انسجام باعث شده تا این موضوع به لحاظ تاریخی کم تر مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

در تاریخ خلافت اسلامی، دوره ی سلجوقی به لحاظ مذهبی جایگاهی ممتاز دارد؛ زیرا وجه مذهبی و تأکید بر اسلام سنی، وجه غالب این دوران است. همچنین، آنان در دو عرصه ی داخلی و خارجی، جنگ ها و درگیری های عقیدتی و سیاسی و نظامی داشتند. از این رو، برای تبلیغ و تثبیت موقعیت خویش به شدت نیازمند ابزار تبلیغی - رسانه ای بودند؛ و به همین دلیل، مسجد در آن دوران، بسیار بیش تر مورد توجه قرار گرفت. به نظر می رسد سلجوقیان در استفاده از مسجد، حساب شده و دقیق بهره می بردند؛ از این رو، در کنار رشد کارکردهای نهاد مسجد، معماری آن و روند ساخت و ساز مسجد تحول بسیاری یافت. دوران سلجوقی یکی از

دوران‌های برجسته در ساخت مسجد بود. به یقین، چنین رشدی، علاوه بر بسترهای مذهبی، نیازمند زمینه‌های اجتماعی نیز بوده است.

مساجد در این دوران، دارای کارکردهای متنوعی بودند؛ اما در میان همه‌ی این کارکردها، برخی از آن‌ها دارای اهمیت و جایگاه مهم‌تری هستند. یکی از کارکردهای مهم مسجد در تاریخ اسلام و به ویژه دوره‌ی سلجوقی، کارکرد تبلیغی- رسانه‌ای مسجد است. این کارکرد به‌نوعی با سرشت و ذات مسجد درآمیخته و از زمان پیامبر(ص) که نخستین مسجد بنا گردید، این کارکرد قابل مشاهده است. مراد از کارکرد تبلیغی- رسانه‌ای در این‌جا، فضایی برای رساندن پیام و آگاه کردن مردم توسط حکومت بر اساس نیازهایش از یک سو، و همچنین محلی برای تبادل آگاهی‌های اجتماعی و اعلام اعتراض مردم یا ناراضیان سیاسی از سوی دیگر است. به عبارت دیگر، مسجد رسانه‌ای دو وجهی بود، یعنی هم از سوی حکومت و هم از سوی مردم و ناراضیان مورد استفاده قرار می‌گرفت.

شناخت کارکردهای مسجد و استفاده از این فضای عمومی کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. نگاهی به تحقیقات انجام شده در این حوزه نشان می‌دهد به‌طور عمده پژوهش‌ها درباره‌ی مسجد و تحولات آن مرتبط با معماری است و شناخت بسترهای اجتماعی و سیاسی شکل‌گیری مساجد و همچنین کارکرد آن‌ها در دوره‌های تاریخی مختلف مورد غفلت قرار گرفته است. با توجه به خلأ موجود، لزوم پرداختن به این عنصر از تمدن اسلامی و درک تاریخی از مسجد اهمیت فراوان دارد.

برای ورود به متن نوشتار، ابتدا باید با طرح پرسش‌ها و فرضیه‌های موجود، به تحلیل موضوع پرداخت: نخستین پرسشی که به ذهن می‌رسد این است که، مهم‌ترین نقش‌های تبلیغی- رسانه‌ای مسجد در این دوران کدام است؟ چه گروه‌ها و افرادی از مسجد برای رساندن پیام یا اندیشه‌ای بهره می‌بردند؟ آیا مسجد فقط در اختیار حکومت بود یا دیگر اقشار نیز از آن بهره می‌بردند؟ در پاسخ به این پرسش‌ها این فرضیه‌ها شکل می‌گیرد: مسجد در این دوران، با توجه به شرایط زمانی و محدودیت‌های ارتباطی، به نظر می‌رسد محل مناسبی برای اطلاع‌رسانی دولتی و مردمی بوده، و البته گاهی مشاهده می‌شود که حضور حکومت در مسجد پررنگ‌تر از سایر اقشار است. همچنین، هر گروهی به فراخور نیاز خود، از رسانه‌ی مسجد استفاده می‌کرد، و وجه غالب استفاده‌ی سیاسی مردمی، بیان اعتراض به روندهای موجود در عرصه‌های گوناگون بوده است. حاکمان و شورشیان نیز نیازمند به حمایت معنوی

و قدرت بسیج مساجد بوده‌اند.

در این نوشتار، تلاش می‌گردد تا چگونگی استفاده‌ی هر یک از گروه‌های سه‌گانه‌ی بالا از مسجد، برای پی‌گیری خواسته‌های‌شان در عرصه‌ی تبلیغی-سیاسی نشان داده شود. البته، به دلیل محدودیت‌های پژوهش، تلاش شده تا مهم‌ترین کاربردهای مساجد مورد توجه قرار گیرد و زمینه‌ای برای مطالعات بعدی فراهم شود. مثلاً، استفاده‌ی تبلیغی حکومت، صرفاً معطوف به بسیج نیروها برای جنگ‌های جهادی مورد توجه قرار گرفته است؛ در حالی که مسئله‌ای همچون خطبه‌خوانی و استفاده‌ی تبلیغی از آن برای مشروعیت بخشی و تبلیغات رسمی حکومت، خود موضوعی مفصل و در خور نوشتاری دیگر است که در این‌جا به ضرورت بحث به اختصار به آن پرداخته شده است.

استفاده‌ی تبلیغی- رسانه‌ای از مسجد در جریان جنگ‌های جهادی با مسیحیان، به خوبی کارکرد مسجد را در این حوزه نشان می‌دهد. نقشی که مساجد ایفا می‌کردند، فراتر از دعا بود و به نوعی مهم‌ترین ابزار در جهت‌دهی به جنگ‌ها به‌شمار می‌آمد. دوران سلجوقی، مثل بسیاری از دوران‌های پراشوب دیگر، با بحران جانشینی و شورش روبه‌رو بود. شورشیان نگاهی ویژه به مسجد داشتند و بیان نام خویش را در منابر و خطبه‌ها ابزاری برای رساندن پیام و تثبیت موقعیت‌شان می‌دانستند. از این رو، جدالی آشکار بر سر تصاحب منابر مساجد وجود داشت. مردم نیز در این کارزار هر گاه از نابسامانی‌های سیاسی-اجتماعی به تنگ می‌آمدند، تنها راه را رفتن به مسجد و همراه کردن دیگران با خویش و یا رساندن پیام‌شان به حاکمان می‌دانستند. هنگامی که این مجموعه‌ی مطالب را در کنار یکدیگر قرار می‌دهیم، میزان اثرگذاری و نقش‌آفرینی مساجد، به‌ویژه از حیث تبلیغی و اطلاع‌رسانی در این دوره‌ی پراشوب تاریخی، آشکار می‌گردد.

مسجد در عرصه‌ی جهاد

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، مساجد در موضوع‌های داخلی و خارجی اهمیت داشتند. دولت سلجوقی در عرصه‌ی خارجی با چالش‌ها و درگیری‌های جدی روبه‌رو بود. به ویژه، در درگیری با مسیحیان، نقش مساجد بسیار حائز اهمیت بود. از این رو، یکی از بارزترین کاربردهای سیاسی مسجد در دوره‌ی سلجوقی، با توجه به اوضاع سیاسی آن روز جهان اسلام، نقش حیاتی و انکارناپذیر آن در امر خطیر جهاد بود، که البته در قیاس با دوره‌های دیگر تاریخ ایران نیز بسیار برجسته و ممتاز است. مساجد در این دوره و در جای جای قلمرو گسترده‌ی

سلجوقی، به عنوان کانونی برای تحریک، تشجیع و تهییج مسلمانان به منظور جنگ با کفار مسیحی، درآمده بود. علاوه بر این، به لحاظ بُعد تبلیغی و اطلاع‌رسانی محلی و نیز برای دعاخوانی توسط خطبا و مسلمانان و به قصد پیروزی جنگ‌جویان مسلمان نیز، حائز اهمیت بود. این مجموعه کارکردهای جهادی مسجد، به خصوص در مورد جنگ‌های صلیبی، و حتی پیش‌تر از آن، در جنگ ملازگرد و در جنگ و جهاد مسلمانان با گرجی‌های مسیحی، نمود آشکار یافت.

جنگ ملازگرد

جنگ ملازگرد (۴۶۳ هـ.ق) یکی از مهم‌ترین جنگ‌های سلجوقیان با مسیحیان بود که نقش مساجد را در آگاه کردن مردم و فضاسازی برای غلبه بر دشمن نشان داد. اگر به منابع این دوران نگاهی بیفکنیم، درمی‌یابیم در جایی که به شرح این ماجرا می‌پردازند، نخست، شکل‌گیری فضایی معنوی پیش از آغاز جنگ و به عنوان بخشی از راهبرد نظامی سلجوقی، نشان داده می‌شود. البته، درباره‌ی دیگر جنگ‌های سلجوقیان نیز، این قاعده کم و بیش صادق است. برای نمونه، بنداری سخن خویش را درباره‌ی این جنگ چنین آغاز می‌کند: «... عزم شاهانه به دیدار دشمن بی‌تاب بود و می‌خواست این مقصود زودتر انجام پذیرد. فقیه و پیشوای مخصوص سلطان آلپ ارسلان [که] ابونصر محمد بن عبدالملک بخاری حنفی بود، به سلطان گفت: تو در دفاع از دین خدا جنگ می‌کنی و خدا خود به اظهار و اعلام دینش نوید داده است. روز جمعه دشمن را مقابله کن؛ زیرا بعد از ظهر جمعه مردم بر منابر مساجد برای تو دعا می‌کنند».^۱

ظاهراً، علاوه بر توصیه‌ی آن فقیه حنفی، نظرات امرای سپاه سلجوقی نیز در به تأخیر افتادن آغاز جنگ مؤثر بوده است؛ چرا که آنان نیز از اثرات معنوی‌سازی فضای جنگ به‌خوبی آگاه بودند. از این‌رو، توصیه‌ی آنان نیز به سلطان، تأخیر در آغاز جنگ تا روز جمعه بود. آنان به دلیل عدم توازن قوای دو طرف و چند برابر بودن سپاه روم،^۲ استفاده از انگیزه‌های

۱ فتح بن علی بنداری ۲۵۳۶. تاریخ سلسله‌ی سلجوقی، زبدة النصره و نخبة العصره، ترجمه‌ی محمد حسین جلیلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ص ۴۸.

۲ اگر چه در خصوص تعداد سپاهیان طرفین اختلاف نظر جدی وجود دارد، لیکن بر آورد ابن اثیر مبنی بر سی هزار نفر برای لشکر سلجوقی، و دویست هزار نفر برای رومیان، قابل قبول‌تر است (عزالدین علی بن اثیر اَبی‌تأ. تاریخ کامل، ترجمه‌ی علی هاشمی حائری، ج ۱۷، تهران: علمی، صص ۴۰-۴۱).

دینی و مذهبی را برای ارتقای روحیه‌ی سربازان خویش در دستور کار قرار دادند و اتفاقاً همین مسئله متمر ثمر واقع گردید. اگر این تحلیل را بپذیریم، فهم رفتار نظامیان که در منابع به آن اشاره شده است، آسان‌تر می‌گردد. ظهیرالدین نیشابوری از زبان یکی از سرداران معروف آلپ ارسلان، به نام امیر ملک محمد دانشمند، که سلطان سلجوقی را مخاطب قرار داده بود، چنین آورده است: «ما بنده را اندیشه‌ای از سر مسلمانی روی می‌نماید... امروز به سعادت باز می‌گردیم و... روز آدینه علما الصبح بعد از حی علی الفلاح با خشم منصور به حربگاه معرکه حاضر شویم که در آن وقت خطباء بر منابر اسلام دعا [ی] «اللهم انصر جیوش المسلمین و سرایاهم» به جمع از سر اخلاص یکسر بگوییم و بر کفار فجّار زنیم. اگر سعادت شهادت یابیم، نعم الثواب، و اگر مظفر و منصور شویم، «ذالک هو الفوز العظیم». جمله‌ی امر را غیرت و حمیت دین است که امارت بختیاری باشد، در باطن حرکت آمد و در فکر محمد دانشمند، محمدی گفتند»^۱.

سلطان آلپ ارسلان سرانجام با پیشنهاد مشترک فقها و امرای همراهش، موافقت کرد و جنگ ملازگرد با تأخیر، در صبح روز جمعه هفدهم ذی‌القعدة ۴۶۳ هـ ق آغاز گردید. با این‌که جنگ مذکور ریشه در خودسری‌ها و تجاوزات مکرر ترکمانان سلجوقی به خاک امپراتوری روم شرقی داشته و در راستای سیاست توسعه‌طلبی ارضی آنان بوده است،^۲ سلطان سلجوقی می‌خواسته است با استفاده از کارکردهای مسجد و نقش خطباء و خلیفه‌ی عباسی، به آن صبغه‌ی دینی و مشروعیت مذهبی ببخشد؛^۳ چنان‌که در نوشته‌ی صدرالدین حسینی، مورخ دربار سلجوقی، اشاره شده است. وی در خصوص علل و ریشه‌های جنگ مذکور می‌نویسد: «در ۴۶۳ سلطان آلپ ارسلان شنید که شاه روم همراه با مخالفان مسلمین، همچون ارمنیان، غزان و فرنگیان، سوگند خوردند که خلیفه را بردارند و جائلیتی برجایش گمارند و مساجد را ویران سازند و کلیساها برآورند»^۴.

۱ ظهیرالدین نیشابوری ۱۳۳۲. سلجوقنامه، تهران: کلاله‌ی خاور، ص ۲۵.

۲ ا. ک. باسورث ۱۳۷۱. «تاریخ سیاسی و دودمانی ایران ۶۱۴-۳۹۰ هجری»، تاریخ ایران کمبریج، ترجمه‌ی حسن انوشه، ج ۵، ویراستار جی. آ. بویل، تهران: امیرکبیر، ص ۳۱۴.

۳ صبغه‌ی دینی و شرعی دادن به اقدامات سیاسی- نظامی یکی از شگردهای دایمی ترکان سلجوقی- و البته به راهنمایی کار به‌دستان ایرانی‌شان- و در راستای بحث مشروعیت مذهبی بوده است. احتمالاً راز و رمز این مسئله نیز در فقدان مشروعیت ملی آنان و اتکاء صرف به مشروعیت مذهبی نهفته است.

۴ صدرالدین ابوالحسن حسینی ۱۳۸۰. زبدة التواریخ، اخبار امرا و پادشاهان سلجوقی، ترجمه‌ی رمضانعلی روح‌اللهی، تهران: ایل شاهسون بغدادی، ص ۸۱.

این شگرد، با توجه به نابرابری تعداد دو سپاه، می‌توانست به لحاظ معنوی و دینی قدرت مضاعفی به سپاه سلجوقی ببخشد. لذا وجهی جهادی بخشیدن به جنگ با رومیان و استفاده از نقش ممتاز و اثرگذار مساجد و خطباء، در دستور کار قرار گرفت. ضمناً، دعای خطیبان بر منابر و تحریک و تشجیع مسلمانان برای جهاد با کفار، می‌توانست در صورت طولانی شدن جنگ، به کمک سپاه سلجوقی - دست کم در نواحی مرزی - آید و به عنوان پشتیبان سپاه عمل نماید.

خلیفه‌ی عباسی القائم بامرالله (۴۲۲-۴۶۷ هـ) که رابطه‌ی بسیار حسنه‌ای با آلپ ارسلان داشت، نیز دستور داد تا سلطان سلجوقی را بر سرمنابر مساجد دعا گویند، آن‌گاه دعای مبسوط، پرمحتوا و مهیجی تهیه کرد و برای همه‌ی خطیبان ارسال داشت تا در بلاد اسلامی بر سر منابر بخوانند و مردم را به دعاگویی سپاه مسلمان و احیاناً به منظور اقدامات عملی بعدی، تحریک و تهییج نمایند. متن کامل این دعا، که صرفاً در *زبنة‌التواریخ* صدرالدین حسینی آمده است، حاوی نکات ارزشمند و جالبی است که خود حکایت از تأثیر بسیار مهم و حیاتی کارکرد اطلاع رسانی مسجد در روند تحولات سیاسی - مذهبی آن روز جهان اسلام، به‌ویژه در امر خطیر جهاد، دارد. ضمناً، می‌تواند به عنوان نمونه‌ای ممتاز از دعانامه‌های جهان اسلام در دوره‌ی میانه‌ی اسلامی و به لحاظ محتوا و میزان اثربخشی و ذائقه شناسی سیاسی و اجتماعی تلقی گردد.^۱ پایان جنگ، با پیروزی شگفت‌انگیز و سرنوشت‌ساز مسلمانان همراه بود. ترسیم صحنه‌ی جنگ و تأثیرگذاری مسجد - بر روحیه‌ی جنگ‌جویان مسلمان، دست کم در بعد معنوی و روانی - در نوشته‌های صدرالدین حسینی، بنداری و ابن اثیر به خوبی انعکاس یافته است:

«دو گروه به روز آدینه، هنگام برآمدن خطیب مسلمانان بر منبر، با یکدیگر رویاروی شدند....^۲ همین که آن ساعت فرارسید، ابونصر برای پیش‌نمازی نماز گزارد و سلطان بگریست و مردم هم گریستند، با وی هم صدا دعا کردند.... سلطان جامه‌ی سپیدی در آمیخته با کافور بپوشید و گفت: اگر کشته شوم، همین کفن من خواهد بود.^۳ آتش پیکار شعله ور شد.... دو لشکر بالا و پایین می‌شد تا هنگام ظهر در رسید. نزدیک بود با اتمام جنگ، دین خدا نابود شود. آواز خطیبان از پله‌ها و چوب‌های منبرها برخاست و نیت کسانی که نماز جمعه می‌گزارند

۱ صدرالدین ابوالحسن حسینی، همان، صص ۸۱-۸۲.

۲ همان، ص ۸۳.

۳ ابن اثیر، همان، ج ۱۷، ص ۴۱.

و به اخلاص، مجاهدان اسلام را دعا می‌کردند، به حقیقت پیوست.... پادشاه روم اسیر شده و به زنجیر کشیده گردید.... اسلامیان هزاران رومی را کشتند.^۱

به نظر می‌رسد دولت‌مردان سلجوقی در این جنگ و در جنگ‌های مشابهی که به آن‌ها خواهیم پرداخت، به خوبی توانستند با تمرکز تبلیغات در مساجد، افکار عمومی جامعه را نسبت به مسئله‌ی جهاد حساس کنند. بدین وسیله، آن‌را به موضوعی عمومی تبدیل کردند و به نوعی تمام اقشار جامعه را در این مسئله درگیر نمودند. این شگرد موفقیت‌آمیز سیاسی-مذهبی هم در بالا بردن روحیه‌ی سپاه سلجوقی مؤثر بود، و هم اینکه موجب آمادگی مردم برای رساندن کمک به سپاه مسلمانان در صورت لزوم بود.

جنگ‌های صلیبی

جنگ‌های صلیبی (۴۹۰-۶۹۵ هـ.ق / ۱۰۹۶-۱۲۹۵ م) جلوه‌گاه دیگری از کارکرد رسانه‌ای مسجد در عرصه‌ی جهاد و در تاریخ ایران و اسلام بود. تحریک و تهییج مسلمانان برای جهاد با کفار مسیحی، اطلاع‌رسانی از وقایع جنگ و وضعیت سپاه اسلام، دادخواهی و تظلم مسلمانان نواحی مرزی، اعتراض سیاسی مسلمانان درگیر جنگ، و از همه مهم‌تر، بسیج سیاسی-نظامی و گردآوری نیرو و امکانات برای جبهه‌های جنگ-آن‌هم به مدت قریب به دوست سال و در طی هشت جنگ وسیع، گسترده و شدید-از مهم‌ترین کارکردهای رسانه‌ای مسجد، در سراسر جهان اسلام بوده است. مساجد به عنوان شبکه‌ای گسترده و فراگیر در قلمرو خلافت اسلامی، نقشی بی‌بدیل ایفا کردند. حکومت‌های جهان اسلام در این دوره‌ی حساس از تاریخ آن، و در رأس آن سلجوقیان، با استفاده از این شبکه‌ی گسترده، با اطلاع‌رسانی از صحنه‌ی جنگ و انتقال پیام به مردم، آنان را برای رفتن به میدان جنگ ترغیب می‌کردند. گاهی مردم، خود، با حضور در مسجد، سلاطین را وادار به جنگ می‌نمودند؛ چرا که جنگ‌های صلیبی، تحت تأثیر منازعات داخلی بین سلطنت و خلافت و یا درگیری‌های درون سلطنت سلجوقی قرار گرفته بود و لذا تلاشی جدی برای مقابله با صلیبیون انجام نمی‌شد. مسلمانان با استفاده از مسجد پیام خویش را به حاکمان می‌رساندند و بدین وسیله روند جنگ را به نفع مسلمانان تغییر دادند.

۱ بنداری، همان، صص ۴۹-۵۰.

تفرقه و آشفتگی سیاسی- مذهبی جهان اسلام در قرن‌های پنجم و ششم هجری قمری، چالش‌های عمیق و شدید بین دو نهاد سلطنت و خلافت، منازعات سیاسی و خطرات فرقه‌گرایی، کشمکش‌ها و رقابت‌های گسترده و متعددِ جانشینی، و شدت یافتن جنگ‌های داخلی در درون مرزهای اسلامی، مانع از توجه و اهتمام دو نهاد سلطنت و خلافت به مسئله‌ی مهم و حیاتی و مبتلابه جهان اسلام، یعنی جنگ‌های صلیبی، گردید. حاصل این آشفتگی و پراکندگی سیاسی نیز پیروزی چشم‌گیر صلیبیون از همان دهه‌های آغازین جنگ بود. آنان توانستند بر بسیاری از شهرها و سواحل شرق مدیترانه و در لبنان، فلسطین و شام، دست یابند.^۱ لذا، مسلمانان مناطق مرزی و جنگی برای استمداد، تظلم، اعتراض سیاسی و یا به‌منظور آگاهی‌رسانی به حاکمان اسلامی و عموم مسلمانان، «مسجد» را تنها و البته بهترین و کارآمدترین ابزار و وسیله‌ی مناسب یافتند. متون تاریخی این مقطع از تاریخ جهان اسلام نمونه‌های فراوانی از این مجموعه کارکردهای مسجد و در عرصه‌ی جهاد را ثبت و ضبط کرده است، که ذیلاً به نمونه‌هایی از آن‌ها پرداخته می‌شود.

در سال ۴۹۲ هـ.ق و پس از قتل‌عام عظیم مسلمانان بیت المقدس توسط صلیبیون،^۲ گروهی از ائمه‌ی مسلمانان، در ماه رمضان به بغداد آمدند و به نوشته‌ی ابن اثیر، «... و در دیوان سخنانی بر زبان راندند که سرشک از دیدگان شنوندگان بیارید و دل‌ها را به درد آورد و روز جمعه در جامع (مسجد) به پا خاستند و استغاثه کردند و گریستند و دیگران را گریاندند و گفتند که در آن شهر شریف معظم، از قتل و کشتار مسلمانان و اسارت زنان و خردسالان و غارت اموال، چه به روز آن‌ها آمده است. [آنان] افزودند که از شدت مصیبت، نیاز به فطریه یافتند [یعنی مستحق صدقه شدند]». خلیفه‌ی عباسی، المستظهر بالله (۴۸۷-۵۱۲ هـ.ق)، که ظاهراً تحت تأثیر قرار گرفته بود، خواستار اقداماتی شد که البته اختلافات بین سلاطین سلجوقی- به‌ویژه جنگ‌های جانشینی بین برکیارق و محمد- و امراء مانع از تحقق این امر گردید.^۳ اندکی بعد، و به سال ۵۰۴ هـ.ق تسلط صلیبیون بر مناطقی از شام و احتمال پیش‌روی بیشتر

۱ عبدالرحمن بن خلدون ۱۳۷۱. تاریخ (العبر)، ترجمه‌ی عبدالمحمد آیتی، ج ۴، تهران: مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ص ۵۱؛ حاتم قادری ۱۳۷۰. اندیشه‌های سیاسی غزالی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ص ۶۴؛ جواد طباطبایی ۱۳۷۳. زوال اندیشه‌ی سیاسی در ایران، تهران: کویر، ص ۱۰۸؛ نورالله کسایی ۱۳۷۴. مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، تهران: امیرکبیر، ص ۱۶.

۲ غریغوریوس ابوالفرج ابن عبری ۱۳۶۴. تاریخ مختصر الدول، ترجمه‌ی محمد علی تاج پور، حشمت الله ریاضی، تهران: اطلاعات، ص ۲۶۶.

۳ ابن اثیر، همان، ج ۱۷، ص ۲۶۰.

آنان، موجب گردید تا این بار جمعی از مسلمانان حلب، برای اعتراض سیاسی و نیز استمداد از مسلمانان، عازم بغداد شوند. به محض ورود، گروه بسیاری از قتها و سایر طبقات مسلمانان به آنان پیوستند و بالاتفاق به «مسجد سلطان محمد» رفتند و مانع برگزاری نماز جماعت در مسجد مورد نظر گردیدند و نیز منبر را شکستند. ظاهراً، این اقدام، به لحاظ تبلیغی-سیاسی و از طریق مسجد، مؤثر واقع شد و سرانجام سلطان محمد سلجوقی (۴۹۸-۵۱۱ هـ.ق) برای تسکین درد آنان و نیز به منظور کاهش اعتراض‌شان، وعده داد که برای جهاد با کافران، قشونی آماده کند و اعزام دارد. ضمناً منبری نیز از دارالخلافة برای مسجد سلطان فرستاده شد.^۱

البته مسلمانان مذکور، که به تحقق وعده‌های سلطان و عملی شدن آن امید نداشتند، در روز جمعه و به اتفاق مردم بغداد به واکنش تندتری دست زدند. آنان به «مسجد قصر» واقع در دارالخلافة بغداد، هجوم بردند. دربانان از ورودشان ممانعت کردند، لیکن آن‌ها بر دربانان غلبه یافتند و وارد مسجد شدند. آن‌گاه، پنجره‌های شبستان را شکستند و به سوی منبر هجوم بردند و آن را خرد کردند و بدین ترتیب نماز جمعه باطل گردید. خلیفه مستظهر در این خصوص پیامی برای سلطان سلجوقی فرستاد و از او خواست که به این مسئله رسیدگی و آن را حل نماید. سلطان محمد نیز به امرایش دستور داد تا به شهرهای مسلمانان واقع در نواحی مرزی بروند و برای جهاد با کافران آماده شوند. وی ضمناً پسر خود یعنی مسعود را نیز به جنگ با صلیبیون فرستاد. البته، به نوشته‌ی منابع، همه‌ی این تلاش‌ها- به علت اختلافات بین امرای سلجوقی- به نتیجه‌ای نرسید.^۲

بیشرفت‌های گسترده‌ی صلیبیون در دهه‌های نخستین قرن ششم هجری قمری و تصرف بخش‌های زیادی از شام و فلسطین و تشکیل حکومت صلیبی در این مناطق، واکنش‌های شدید، تند و گسترده‌تر قاطبه‌ی مسلمانان و به خصوص مسلمانان شام را نسبت به بی‌تفاوتی جهان اسلام و رهبران آن در پی داشت. البته، اوضاع آشفته‌ی سیاسی، نظامی و مذهبی این دوره از جهان اسلام، رمقی برای آنان در دفاع از کیان اسلامی و دفع خطرات "کافران مسیحی" باقی نگذاشته بود. یکپارچگی سیاسی، اتحاد اسلامی و در نتیجه، قلمرو اسلام، در معرض هجوم جدی قرار گرفته بود. لذا، اعتراض‌های سیاسی و تظلم مردم و علمای نواحی مورد هجوم، از

۱ عزالدین علی بن اثیر ۱۳۵۲. کامل (تاریخ بزرگ اسلام و ایران)، ترجمه‌ی ابوالقاسم حالت، ج ۱۸، تهران: شرکت سهامی چاپ، صص ۱۳۲-۱۳۴.

۲ همان، ج ۱۸، ص ۱۳۵.

طریق رساترین و اثرگذارترین وسیله‌ی تبلیغی یعنی مساجد، و به‌ویژه مساجد کانون معنوی جهان اسلام - یعنی بغداد - امری اجتناب‌ناپذیر بود.

دهه‌ها صبر و شکیبایی مردم مسلمان نواحی درگیر جنگ، از سوی رهبران مذهبی و سیاسی و نظامی جهان اسلام آن روز، پاسخی در خور و شایسته نیافته بود.^۱ این بار می‌بایست مردم مسلمان از طریق خانهای خدا شاهد و ناظر بی‌پناهی و ندای دادخواهی آنان باشند البته، این امر به لحاظ تبلیغی نیز می‌توانست موجب تحریک مسلمانان، بیداری اسلامی و اقدامات عملی آنان در ابعاد مادی و معنوی گردد؛ به خصوص در شهر بغداد،^۲ که نژادها، اقوام و مذاهب مختلف اسلامی را در خود داشت.

در سال ۵۳۲ هـ.ق، و پس از پیشروی‌های بسیار صلیبیون در شام از یک‌سو، و بی‌توجهی سلطان مسعود سلجوقی (۵۲۹-۵۴۷ هـ.ق) به ندای استمداد طلبانه‌ی مردم و امرای درگیر جنگ از دیگر سو، موجب گردید تا عده‌ای از مسلمانان شام و بغداد به «مسجد جامع قصر» بغداد بروند و مردم را تحریک و تهییج نمایند. آنان در روز جمعه، هنگامی که واعظ بر بالای منبر بود، فریاد «وا اسلاما! وا دین محمد!» سر دادند. آن‌گاه، نعره و فریاد زدند و عمامه‌ها و لباس‌های خود را پاره پاره کردند و بر زمین زدند. مسلمانان حاضر در مسجد به هیجان آمدند، به گریه افتادند و نماز جماعت را ترک کردند و به لعن سلطان سلجوقی پرداختند.

در «مسجد جامع سلطان» بغداد نیز عین همین شورش به راه افتاد و مردم شورش کنان از آن جا به سمت قصر سلطان رهسپار شدند. چیزی نگذشت که مردم از همه سو اقامت‌گاه سلطان سلجوقی را محاصره کردند. سلطان مسعود که از تبعات و اثرات تحصن و تجمع مردم در مساجد بغداد و انعکاس وسیع و گسترده‌ی آن در جهان اسلام بسیار بیمناک شده بود، فوراً دستور تجهیز قشون و اعزام آن به جبهه‌های جنگ را صادر کرد.^۳

حوادث تاریخی فوق، نمونه‌ی کامل و جامعی از کارکرد رسانه‌ای مسجد است که خود

۱ به طور مثال، امام محمد غزالی - فقیه مشهور شافعی - علی‌رغم حضور ده ساله‌اش در شام و در همین سال‌های پرتنهاب جنگ‌های صلیبی، هیچ اشاره‌ای به این مسئله در آثارش ننموده است.

۲ با مروری بر سطور قبلی در می‌یابیم که غالباً این، بغداد و مساجد آن بودند که بیش‌ترین نقش را در کارکرد جهادی و در زمینه‌ی جنگ‌های صلیبی و در دوره‌ی مورد نظر داشته‌اند. مرکزیت مادی و معنوی این شهر، حضور چند ماهه‌ی هریک از سلاطین سلجوقی در آن و در طول سال، و از همه مهم‌تر وجود دستگاه خلافت عباسی و با وظایف مهم سیاست‌گذاری جهان اسلام در مقابل جهان خارج، و نیز اختیارات جهادی آن، مهم‌ترین پاسخی است که می‌توان به عنوان دلیل حضور مسلمانان نواحی مرزی در بغداد ارائه نمود.

۳ عزالدین علی بن اثیر، همان، ج ۱۹، صص ۳۰۲-۳۰۴.

مجموعه‌ای از نقش‌های جزئی آن را در بر گرفته است. محل دادخواهی، محل اعتراض سیاسی، محل اعلان سیاسی، مکان تحریک و تشجیع مذهبی-سیاسی، محل بسیج سیاسی، محل تبلیغات جنگ، مرکز اطلاع‌رسانی از وضعیت جبهه‌های جنگ و موفقیت‌های سپاه مسلمان و چنان که مشاهده گردید، این مردم بودند که از رسانه‌ی مسجد برای پیش‌برد اهداف خود و ترغیب حکومت به مبارزه با مهاجمان مسیحی بهره بردند و نهایتاً توانستند سلطان سلجوقی را مجبور به جنگ با صلیبیون کنند. به عبارت دیگر، سهم و نقش قاطبه‌ی مردم در بهره‌برداری از کارکرد رسانه‌ای مسجد و در قیاس با حکومت سلجوقی، بیش‌تر بوده است.

جنگ قفقاز

کارکرد رسانه‌ای مسجد در عرصه‌ی جهاد یک‌بار دیگر خود را در حوادث هجوم‌های گرجیان به نواحی قفقاز و شهرهای مسلمان‌نشین شمالی در دوره‌ی سلجوقی به نمایش گذاشته است. جنگ‌های قدرت و در نتیجه نابسامانی سیاسی ایران در اواخر قرن پنجم هجری قمری، موجب گردید تا پادشاه گرجستان در سال ۵۱۳ هـ.ق به اران و تفلیس، که تحت امر سلجوقیان بود، حمله نماید. مسلمانان این منطقه به تنهایی به جهاد برخاستند، لیکن نتیجه‌ای نگرفتند و گرجی‌ها پس از کشتار بسیار در شهرهای اسلامی، تفلیس را که مهم‌ترین شهر این منطقه بود، با شدت و خشم تصرف کردند و آن‌گاه دست به غارت و کشتار مردم آن‌جا زدند. لذا، گروهی از مردم شهر که به ستوه آمده بودند، برای دادخواهی و نیز به‌منظور آگاه ساختن مسلمانان بغداد، و از همه مهم‌تر، برای تحریک و تشجیع آنان، به بغداد آمدند (۵۱۶ هـ.ق). آنان به مساجد معروف شهر بغداد رفتند و به استغاثه و استمداد پرداختند. آنان پس از آن به همدان- پایتخت سلطان محمود بن محمد (۵۱۱-۵۲۵ هـ.ق)- رفتند و در آن‌جا نیز همین عمل را انجام دادند. ظاهراً اقدامات آنان به‌لحاظ تبلیغی-سیاسی مؤثر واقع گردید؛ چون سلطان سلجوقی قشونی را برای سرکوبی گرجی‌ها و بازپس‌گیری شهرهای قفقاز و اران گسیل داشت، که البته شکست خوردند.^۱

در مجموع، می‌توان مسجد را یکی از ابزارهای مهم حکومت و مردم برای پیش‌برد اهداف خویش دانست. در دوران گذشته که وسایل ارتباط جمعی بسیار محدود بود، این نقش آفرینی

۱ این اثیر، همان، ج ۱۸، صص ۳۰۵-۳۰۸؛ ابن عبری، همان، ص ۲۷۱.

مسجد بسیار چشم‌گیر بود، تا آن‌جا که مهم‌ترین رسانه به‌شمار می‌آمد. مسجد فضایی عمومی بود و در حیات اجتماعی و سیاسی نقش زنده و ملموسی داشت. از مجموع روایت‌های فوق درمی‌یابیم که نوع نگاه مردم به مسجد، تنها به‌عنوان محلی برای عبادت نبوده است، بلکه به کارکردهای دیگر نیز کاملاً توجه داشتند. اما این به معنای آن نیست که این کارکرد رسانه‌ای را محدود به جنگ نماییم، بلکه در عرصه‌های دیگر نیز ما با چنین فضایی برخورد می‌کنیم.

اعلان شورش علیه سلطان

بررسی دقیق تحولات سیاسی دوره سلجوقی و به‌ویژه بحران‌های جانشینی در این دوره، نشان می‌دهد که هر یک از مدعیان تاج و تخت برای ابراز مخالفت و شورش علیه سلطان و اعلان سلطنت خواهی، از علایم و نشانه‌های مختلفی سود می‌جسته‌اند. استفاده از یک و یا مجموعه‌ای از علایم و نشانه‌های شورش که معمولاً به لحاظ تبلیغاتی حایز اهمیت بیشتری بوده است، در این دوره به امری متداول و رایج تبدیل شده بود، که البته در نوع خود و در تاریخ ایران ممتاز است. در دوره سلجوقی مهم‌ترین علایم و نشانه‌های شورش علیه سلطان عبارت بودند از: پنج نوبت طبل زدن، استفاده از عنوان سلطان، ضرب سکه، و از همه مهم‌تر، خطبه‌خوانی به نام خلیفه و خطبه‌خوانی به نام خود بر منابر مساجد.

شاهزادگان و حتی امرای سلطنت‌طلب سلجوقی، در راستای تضعیف سلطان مستقر از یک سو، و کسب مشروعیت برای تصاحب تاج و تخت از سوی دیگر، به جایگاه مشروعیت بخش خطابت در مسجد و مقام و موقعیت فرق مذهبی و رؤسای آن‌ها در این دوره، واقف بودند. بسیاری از آن‌ها، قبل از تماس با دستگاه خلافت و تقاضای خطبه‌خوانی به نامشان در مساجد بغداد، از طریق خطبا و رؤسای فرق مذهبی ترتیبی می‌دادند که به نام آنان خطبه خوانده شود. به نمونه‌های فراوانی از این نوع خطبه‌خوانی، که علامت عصیان و شورش و بیان‌گر اعلان استقلال سیاسی در ایران عصر سلجوقی بود، می‌توان اشاره نمود.

نبود قوانین مشخص در امر جانشینی در دوره سلجوقی - و حتی در تمام دوره‌های تاریخ ایران - شرایط انتخاب ولی‌عهد را همواره مورد چالش جدی قرار می‌داده است. جالب این است که سلاطین خود به خوبی واقف بودند که عمل آنان در انتخاب ولی‌عهد، حتی در فردای پس از مرگشان نیز، ضمانت اجرایی نخواهد داشت. بنابراین، در صدد برمی‌آمدند با کسب حمایت خلیفه‌ی عباسی، به‌ویژه خطبه‌خوانی به نام آن‌ها در مساجد، پس از ذکر نام خلیفه و سلطان

به‌عنوان ولی‌عهد شایسته، آینده‌ی پرابهام آنان را تقویت نمایند. در اهمیت این موضوع همین بس، که عمیدالملک کندی - وزیر سلطان طغرل بیگ (۴۲۹-۴۵۵هـ.ق) - قبل از طرح ولی‌عهدی انوشیروان - پسر آتون جن همسر طغرل بیگ - سعی فراوان کرد تا حمایت و همراهی خلیفه القائم بالله عباسی را به‌دست آورد، که البته با پی‌بردن سلطان بدین امر، وی توفیقی نیافت.^۱

همچنین، پس از آن‌که سلطان ملکشاه سلجوقی (۴۶۵-۴۸۵هـ.ق)، پسر بزرگ خود، ابوشجاع احمد، را به سال ۴۸۰هـ.ق به ولایت‌عهدی منصوب داشت، فوراً از خلیفه خواست که به نام وی در بغداد و به ولایت‌عهدی خطبه خوانده شود. از این رو، به دستور خلیفه‌ی عباسی، و در شعبان همان سال، به نام ولی‌عهد سلجوقی، در مساجد خطبه خوانده شد و برخطیبان زر نثار گردید.^۲

پس از مرگ سلطان ملکشاه و آغاز جنگ‌های جانشینی در دولت سلجوقی، جایگاه خلافت، و از همه مهم‌تر، اهمیت و ارزش خطبه‌خوانی توسط ایشان در مساجد جامع بغداد و در نتیجه تبلیغ آن در مساجد سراسر جهان اسلام، دوچندان گردید. ترکان خاتون - همسر پرنفوذ ملکشاه - برای استقرار سلطنت فرزند خردسالش محمود، از خلیفه‌المقتدی خواست تا به نام فرزندش در مساجد بغداد خطبه خوانده شود. او برای پذیرش رأی خلیفه‌ی عباسی امتیازات سنگینی به او داد. سرانجام، «خلیفه‌التماس او را به اجابت مقرون گردانید و به نام پسرش محمود خطبه کرد».^۳ البته، رقیب و دشمن بزرگ او، یعنی سلطان برکیارق، نیز در سال ۴۸۷هـ.ق به بغداد آمد و خطبه‌ی سلطنت به نام او در مساجد جامع بغداد، توسط خلیفه و یا به‌دستور او، خوانده شد؛ از همه مهم‌تر، نام محمود نیز از خطبه‌ها برافتاد.^۴ تاج الدوله تنش بن الب ارسلان نیز، پس از شورش علیه سلطان برکیارق، به بغداد آمد. او خود را سلطان خواند و برای تقویت ادعایش از خلیفه‌المستظهر مصرانه خواست تا به نام وی در نمازهای جمعه‌ی بغداد و در مساجد جامع آن خطبه خوانده شود و از همه مهم‌تر نام سلطان برکیارق حذف گردد؛ خلیفه‌ی مذکور نیز دستور به ذکر نام وی بر منابر مساجد و در خطبه‌ها، به عنوان «سلطان» لایق سلجوقی، داد.^۵

۱ بنداری، همان، ص ۱۸.

۲ ابن اثیر، همان، ج ۱۷، ص ۱۳۹.

۳ ظهیرالدین نیشابوری، همان، ص ۳۵.

۴ ابن اثیر، همان، ج ۱۷، ص ۲۰۵؛ محمد شبانکاره‌ای ۱۳۶۳. مجمع‌الانساب، به کوشش میر هاشم محدث، تهران: امیر کبیر، ص ۱۰۶.

۵ ابی‌الفداء ۱۴۱۷هـ.ق / ۱۹۹۷. تاریخ‌ابی‌الفداء، ج ۲، بیروت: دارالکتب علمی، ص ۲۰؛ عباس اقبال آشتیانی ۱۳۸۴. وزارت در عهد

سلاطین بزرگ سلجوقی، تهران: دانشگاه تهران، ص ۲۰۴.

مدعی دیگر تاج و تخت سلجوقی، یعنی محمد بن ملکشاه، نیز اندکی پس از شورش علیه سلطنت برادر ناتنی‌اش، یعنی برکیارق، عازم بغداد شد. خلیفه طی مراسمی وی را «سلطان» نامید و آن‌گاه فرمان داد که به نام او در مساجد بغداد خطبه خوانده شود.^۱ (ضمناً به نام سنجر، برادر تنی سلطان محمد، نیز به عنوان ولی عهد خطبه خوانده شد).^۲

با مرگ سلطان برکیارق (۴۹۸ هـ.ق) نیز، ایاز- اتابک سلطان ملکشاه بن برکیارق- بلافاصله با اعلان سلطنت ملکشاه دوم، وی را به بغداد برد و توانست موافقت خلیفه المستظهر را برای اعطای لقب «جلال الدوله» و مهم‌تر از آن، ذکر نام او در خطبه‌های بغداد بگیرد.^۳ البته، حضور نظامی سلطان محمد در بغداد،^۴ مانع از تحقق این امر گردید و همچنان به دستور خلیفه به نام سلطان محمد در منابر بغداد و پس از ذکر نام او، می‌آمد.^۵

با شروع قرن ششم هجری قمری و با شدت گرفتن جنگ‌های جانشینی، نقش سیاسی مساجد و خطبه‌خوانی در آن برای بازی‌گران سیاسی این دوره اهمیتی دو چندان یافت. غالب شاهزادگان و امرای مدعی سلطنت سلجوقی، از مسجد به عنوان محل اعلان مواضع سیاسی و استقرار سلطنت خود و نیز تخریب شخصیت رقبا استفاده می‌کردند. از این رو، در این دوره، مساجد مکرراً شاهد خلع کردن‌ها و افتادن نام سلاطین و صاحبان قدرت از خطبه‌ها بودند. نمونه‌های بسیاری در تاریخ تحولات سیاسی دوران سلجوقی از این مسئله وجود دارد. به همین دلیل، ذکر تمامی آن‌ها باعث طولانی شدن متن می‌گردد. مسئله‌ی خطبه‌خوانی به طور عام

۱ شمس الدین احمد بن محمد ابی خلکان ۱۳۸۱. منظر الانسان (ترجمه‌ی وفیات الاعیان)، ترجمه‌ی احمد بن محمد بن عثمان سنجر، ج ۳، ارومیه: دانشگاه ارومیه، صص ۱۹۶-۱۹۷؛ ابن خلدون، همان، ج ۴، ص ۵۸؛ حسینی، همان، ص ۱۱.

۲ ابن اثیر، همان، ج ۲۱، ص ۱۲.

۳ به نوشته‌ی ابن اثیر، در روز پنجشنبه ربیع الآخر سال ۴۹۸ هجری قمری، در دیوان خلافت به نام ملکشاه پسر برکیارق خطبه خوانده شد و فردای آن روز که جمعه بود، در جوامع (مساجد) بغداد نیز خطبه خوانده شد (ابن اثیر، همان، ج ۱۷، ص ۳۵۵). ابن عبری نیز بدین امر تصریح دارد: «... در مساجد بغداد به نام ملکشاه خطبه خوانده شد» (ابن عبری، همان، ص ۲۶۷).

۴ ورود سلطان محمد به بغداد در روز جمعه آخر ربیع الثانی سال ۴۹۸ هجری قمری، نه تنها موجب سردرگمی خلیفه المستظهر، بلکه دوگانگی و سردرگمی خطبای مساجد جامع سراسر بغداد گردید. زیرا خطبای مساجد جامع واقع در سمت غربی بغداد به نام سلطان محمد به سلطنت خطبه خواندند و خطبای مساجد جامع واقع در سمت شرقی بغداد به نام سلطان ملکشاه بن برکیارق به سلطنت خطبه خواندند. البته، خطیب مسجد جامع منصور بغداد (از مساجد جامع معروف بغداد) نیز موضع بی‌طرفی اتخاذ کرد و بدون ذکر نام هیچ یک از سلاطین مذکور، به این جمله اکتفا کرد که: «خداوند، سلطان عالم را اصلاح کن»، و پس از آن سکوت کرد.

البته، این تفرقه و اختلاف، و نیز احتمال شر و غارت بر اثر نزاع و جنگ بین دو گروه متخاصم در بغداد، موجب وحشت مردم این شهر گردید. سرانجام، با وساطت و رای‌زنی الصفی ابالمحاسن، وزیر سلطان محمد، ترک منازعه و صلح بین اتابک ایاز و سلطان محمد برقرار گردید (ابن اثیر، همان، ج ۱۷، ص ۳۵۹).

۵ مؤلف ناشناخته ۱۳۷۷. تاریخ آل سلجوق در آناتولی، تصحیح نادره جلالی، تهران: میراث مکتوب، ص ۶۳؛ ابی الفداء، همان، ج ۲، ص ۳۷.

می‌تواند موضوع پژوهشی جداگانه قرار گیرد. در این صورت، اعلان شورش بخشی از آن خواهد بود. منصب خطابت و کارکرد مسجد در عرصه‌ی اطلاع‌رسانی و مشروعیت‌سازی از جایگاهی مهم برخوردار بود. همچنان‌که مشاهده گردید، تمام کسانی که علیه سلطنت می‌شوریدند، به این جایگاه و کارکرد مسجد کاملاً واقف بودند. سایر شورش‌ها نیز در استفاده از مسجد به همین شکل عمل می‌کردند.

مسجد به عنوان محل اعتراضات مردمی

اعتراض نسبت به اقدامات دولت سلجوقی و کارگزاران آن و کوتاهی این دولت و یا دستگاه خلافت عباسی در قبال مسایل سیاسی آن روز جامعه‌ی اسلامی، یکی از تحولات مهم سیاسی این دوره از تاریخ ایران و اسلام بوده است. این اقدام که معمولاً با محوریت مساجد صورت می‌پذیرفت، آثار تبلیغی زیادی داشت و ارتباط اقشار مختلف جامعه‌ی اسلامی را با یکدیگر بیشتر می‌نمود. این نکته را می‌توان یکی دیگر از کارکردهای مهم تبلیغی- رسانه‌ای مساجد در دوره‌ی سلجوقی دانست. در این دوره، مردم به صورت گروهی و یا انفرادی، در قبال ظلم و ستمی که نسبت به حقوق شخصی یا فرقه‌ای- مذهبی آنان از سوی سلاطین و کارگزاران حکومتی صورت می‌گرفت، از طریق مساجد ندای حق‌طلبی و دادخواهی سر می‌دادند. اقدامات مذکور، اگر چه ممکن بود نتیجه‌ی عینی نداشته باشد، ولی از حیث تنویر افکار عمومی و رساندن صدای مظلومیت آنان، و نیز افشای مظالم کارگزاران حکومتی، نتایج شگرفی داشت؛ به گونه‌ای که می‌توان در بررسی علل ضعف و سقوط دولت سلجوقی و خلافت عباسی بدان توجه نمود. جالب این‌جاست که بدانیم برخی عدالت‌خواهان و معترضان، با وجود آگاهی از توفیق نیافتن در اعتراضات سیاسی و نیز عدول نکردن حکومت از مواضع خویش، به چنین اقداماتی دست می‌زدند. نمونه‌های زیادی از کنش‌های مردمی از طریق مساجد، در منابع آمده است، که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

وزیر ابوشجاع، در ربیع الاول سال ۴۸۴ هـ.ق، از وزارت خلیفه المقتدی بامرالله (۴۶۷-۴۸۷ هـ.ق) عزل شد. علت این امر تقار و کینه‌ای بود که بین وی و سلطان ملکشاه و خواجه نظام‌الملک وجود داشت. خواجه و سلطان معتقد بودند وی در راه پیش‌برد مقاصدشان کارشکنی می‌کند. در این بین شکواییه‌ی یهودیان بغداد به سلطان ملکشاه، مبنی بر تعدیات وزیر مذکور نسبت به آنان نیز مؤثر بود. در هر صورت، خواجه و سلطان از خلیفه خواستند که او

را از وزارت عزل کند. خلیفه نیز چنین کرد. فردای آن روز که جمعه بود، وزیر مخلوع به حالت اعتراض و از سر دادخواهی از سلجوقیان، که مسببان و محرکان اصلی این واقعه بودند، از خانه‌ی خود پیاده به سمت مسجد جامع بغداد به راه افتاد. این اقدام او با استقبال انبوهی از مردم بغداد روبه‌رو شد. مردم از هر طرف بر وی می‌ریختند و با او مصافحه می‌کردند. برخی را از این شکوه و هیبت خوش نیامد؛ از این رو، برای جلوگیری از هرگونه حادثه‌ی سوئی، به وی دستور داده شد که به خانه‌اش مراجعت نماید.^۱

اعتراض سیاسی و دادخواهی مسلمانان مشتاق زیارت خانه‌ی خدا در مسجد جامع قصر بغداد، نسبت به تأخیر در فراهم شدن شرایط رفتن به حج، موجب واکنش مثبت خلیفه المسترشد بالله (۵۱۲-۵۲۹ هـ.ق) و تسهیل کار حاجیان گردید. ماجرا از این قرار بود که در سال ۵۱۳ هجری قمری، حج به تأخیر افتاد و مسلمانان مشتاق حج به دادخواهی برخاستند و کمک طلبیدند و پس از تجمع در مسجد جامع قصر، برای تأثیرگذاری بیشتر اعتراض خود، درصدد شکستن منبر مسجد برآمدند، خلیفه‌ی عباسی به محض آگاهی از این قضیه، دبیس بن صدقه را فرستاد تا در تسهیل کار حاجیان مساعدت کند. او نیز دستور خلیفه را اجرا کرد.^۲

واکنش سیاسی و اعتراض مردم شروان نسبت به در بند کشیده شدن پادشاه‌شان توسط سلطان محمود بن محمد سلجوقی (۵۲۵-۵۵۱ هـ.ق) شدید بود و به تخریب مسجد جامع شهر و مناره‌های آن انجامید. علت این اقدام سلطان محمود آن بود که عده‌ای از امرای سلجوقی او را به طمع دست یافتن بر دینه‌ها و خزاین پادشاه شروان، به جنگ با وی واداشتند. از این رو، سلطان در سال ۵۱۷ هجری قمری به بلاد شروان حمله کرد؛ شروان شاه، که به گفته‌ی بنداری «رعیتش به حکومتش قانع بودند»^۳، به استقبال سلطان سلجوقی آمد، ولی به بند کشیده شد؛ در حالی که اهالی شهر انتظار می‌کشیدند شروان شاه با خلعت کامل و نیکو باز گردد. مردم چون از حقیقت حال آگاه شدند، به ناله و گریه صدا بلند کردند. مردان و زنان که به جوش آمده بودند، مسجد جامع شهر را خراب کردند و مناره‌ی آن را ویران نمودند. این واکنش سیاسی آنان موجب هرج و مرج در این ایالت تابعه‌ی دولت سلجوقی گردید و هجوم کافران سرحد به شهرها را نیز در پی داشت، که البته با زحمات فراوان سلطان محمود سلجوقی سرکوب گردید.^۴

۱ بنداری، همان، ص ۸۸.

۲ ابن اثیر، همان، ج ۱۸، ص ۲۹۳.

۳ بنداری، همان، ص ۱۶۲.

۴ بنداری، همان، صص ۱۶۲-۱۶۳.

در سال ۵۴۵ هجری قمری، یوسف دمشقی در مدرسه‌ی نظامیه‌ی بغداد به تدریس مشغول شد. چون این تدریس بدون دستور خلیفه‌ی عباسی بود، روز جمعه از ورود او به مسجد جامع جلوگیری کردند. از این رو، وی به مسجد جامع سلطانی بغداد رفت و نه تنها نماز گزارد، بلکه تصمیم به برپایی جلسه‌ی درس نیز گرفت. سلطان مسعود سلجوقی که با یوسف دمشقی مخالفت داشت و نمی‌خواست از این مسجد علیه او استفاده‌ی سیاسی شود، به شیخ ابوالنجیب توصیه کرد که در آن جا به تدریس پردازد. ولی شیخ، چون فرمان خلیفه را در دست نداشت، از این کار خودداری کرد؛ تا آن که سلطان مسعود اجازه‌ی این کار را از خلیفه گرفت و ابو النجیب از نیمه‌ی ماه محرم آن سال سرگرم تدریس در مسجد جامع سلطانی گردید.^۱

در ماه شوال سال ۵۷۰ هجری، گروهی از ستم‌دیدگان منطقه‌ی غراف به بغداد آمدند و به علت آزار و اذیت و غارت شدن توسط امیر علاء‌الدین تماش پسر احمد قطب‌الدین قایماز، از امرای بزرگ بغداد، که تمایلات شیعی داشت، دادخواهی کردند. هنگامی که خلیفه‌ی عباسی المقتضی بامرالله (۵۶۶-۵۷۵ هجری) به علت زبونی و ناتوانی در برابر امیر و پدرش نتوانست به داد آن‌ها برسد، آنان به مسجد جامع قصر خلیفه هجوم بردند و از مردم استمداد طلبیدند و واعظ را باز داشتند و به نوشته‌ی ابن اثیر، «کاری کردند که نماز بیشتر مردم از دست رفت. این اتفاق و بی‌اعتنایی امرا به نارضایتی خلیفه‌ی عباسی و دادخواهی ستم‌دیدگان، موجب خشم خلیفه گردید و دستور حمله به خانه‌های آنان را صادر کرد، اموالشان غارت شد و به ناچار از بغداد گریختند».^۲

در سال ۵۷۳ هجری قمری نیز دادخواهی مردم مسلمان مداین در مسجد جامع کاخ، موجب آشوب و سیعی در بغداد شد. علت دادخواهی آنان این بود که یهودیان آن شهر، به دلیل هم‌جواری مسجد با کنیسه، به صدای اذان معترض بودند و سرانجام این مسئله موجب زد و خورد بین آنان شد که نتیجه‌ی آن شکست مسلمانان و پیروزی یهودیان بود. از این رو، مسلمانان برای دادخواهی به بغداد آمدند. ابن العطار، خزانه دار بغداد، دستور داد تا ایشان را به زندان اندازند. این جمعیت پس از رهایی از زندان، مستقیماً به مسجد جامع قصر رفتند و پیش از اقامه‌ی نماز جمعه، از مردم استمداد طلبیدند. اعتراض سیاسی مردم از طریق مساجد، نسبت به خیانت‌های بزرگان شهر در هم‌دستی با

۱ ابن اثیر، همان، ج ۲۰، صص ۱۸۹-۱۹۰.

۲ ابن اثیر، همان، ج ۲۲، صص ۱۱۶-۱۲۱.

مهاجمان و به هنگام محاصره‌ی شهرها، نوعی دیگر از کارکرد سیاسی مساجد است. از جمله، پس از آن که میاجق به سال ۵۹۲ هجری قمری شهر همدان را محاصره کرد و قصد ورود به شهر را داشت، مردم بدین گمان که او به‌دروغ خود را نماینده‌ی سلطان تکش خوارزمشاه (۵۶۸-۵۹۶هـ.ق) معرفی کرده است، با وی به جنگ پرداختند و مانع از ورودش به شهر شدند. سرانجام، خوارزمشاه که نزدیک همدان بود، به بزرگان شهر پیغام فرستاد که امیر میاجق از سوی او آمده است، پس لازم است شهر را به وی تسلیم نمایند و اگر هم تردیدی در این پیام دارند، شخص معتمدی را به نزد او بفرستند. بزرگان همدان، جوانی با دانش، دهاء و فضل به نام رکن الدین حافظ را به نزد سلطان تکش فرستادند. این جوان پس از مراجعت، صدق مدعای فرستاده‌ی خوارزمشاه را تأیید کرد. اما مردم شهر بار دیگر در این امر تردید کردند و در مسجد جامع همدان گرد آمدند. به نوشته‌ی راوندی، در این مسجد عوام قصد کشتن او کردند که «توزن و مال مسلمانان در دست میاجق می‌نهی»؛ از این رو، رکن الدین بر سر منبر سوگند خورد که خوارزمشاه نزدیک همدان است و امیر میاجق را تأیید می‌کند و این که او عاصی نیست. اما مردم باز هم باور نکردند و از همان‌جا چند نفر دیگر به نزد سلطان خوارزمشاه فرستادند، که این بار گفته‌ی رکن الدین برای مردم مورد پذیرش و تأیید واقع شد.^۱

نتیجه

در پایان باید اشاره کنیم، مسجد در دوران سلجوقی از موقعیتی ممتاز و اثرگذار برخوردار و دارای کارکردهای متنوع و گوناگونی نیز بوده است. در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی مسجد به عنوان عاملی اثرگذار مورد استفاده قرار می‌گرفت. به ویژه، کارکرد تبلیغی و رسانه‌ای آن در امور جهادی و دفاعی و همچنین مشروعیت بخشی، مورد توجه بود. شرایط سیاسی جهان اسلام در این دوره، و از همه مهم‌تر، وقوع جنگ‌های وسیع و گسترده‌ی صلیبی و نیز جنگ با امپراتوری روم شرقی، اهمیت و جایگاه مسجد را دوچندان می‌ساخت. تحریک، تهییج و تشجیع مسلمانان، اطلاع‌رسانی و در جریان قراردادن مسلمانان از وقایع جنگ و وضعیت سرزمین‌های درگیر، بسیج مردم برای جنگ، و از همه مهم‌تر، اعتراض به بی‌توجهی و یا کم

۱ محمدبن علی بن سلیمان راوندی ۱۳۶۴. *راحة الصدور و آية السرور*، در تاریخ آل سلجوقی، تصحیح محمد اقبال، تهران:

توجهی حاکمان اسلامی، از مهم‌ترین نقش‌های جهادی مسجد در این دوره‌ی سرنوشت‌ساز از تاریخ ایران و اسلام است. از سوی دیگر، در این دوران ما با مسائل جانشینی و بحران‌های متعاقب آن روبه‌رو هستیم. در چنین شرایطی، رسانه‌ی مسجد به عنوان ابزاری در اختیار شورشیان قرار می‌گرفت تا پیام خویش را به جامعه منتقل کنند و همچنین با خواندن خطبه به نام آنان در مساجد جامع مشروعیت‌شان تأیید می‌گردید.

خلاصه‌ی کلام آن است که، کارکرد مسجد در این دوران محدود به امور عبادی نبود و استفاده‌کنندگان از آن نیز محدود به قشر خاصی نمی‌گردید، بلکه تمام اقشار، اعم از مردم و حاکمان و ناراضیان، به نوعی از مسجد برای رساندن پیام خویش بهره می‌بردند.

منابع

- ابن اثیر، عزالدین علی [بی‌تا]. تاریخ کامل، ج ۱۶ و ۱۷، ترجمه‌ی علی هاشمی حائری، تهران: علمی.
- ----- ۱۳۵۲. کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ترجمه‌ی ابوالقاسم حالت، ج ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۲، تهران: شرکت سهامی چاپ.
- ابن خلدون، عبدالرحمن ۱۳۷۱. تاریخ (العبر)، ترجمه‌ی عبدالمحمدآیتی، ج ۴، تهران: مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ابی خلکان، شمس‌الدین احمد بن محمد ۱۳۸۱. منظر الانسان (ترجمه‌ی وفیات الاعیان)، ترجمه‌ی احمد بن محمد بن عثمان سنجرى، ج ۳، ارومیه: دانشگاه ارومیه.
- ابن عبری، غریغوریوس ابوالفرج ۱۳۶۳. تاریخ مختصر الدول، ترجمه‌ی محمد علی تاج پور، حشمت‌الله ریاضی، تهران: اطلاعات.
- ابی الفداء ۱۴۱۷هـ ق / ۱۹۹۷م. تاریخ ابی الفداء، ج ۲، بیروت: دارالکتب علمیه.
- اقبال آشتیانی، عباس ۱۳۸۴. وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی، چ ۲، تهران: دانشگاه تهران.
- باسورث، ادموند کلیفورد ۱۳۷۱. «تاریخ سیاسی و دودمانی ایران، ۶۱۴-۳۹۰ هجری»، تاریخ ایران کمبریج، ترجمه‌ی حسن انوشه، ج ۵، تهران: امیرکبیر.
- بنداری، فتح بن علی ۲۵۳۶. تاریخ سلسله‌ی سلجوقی، زبده النصره و نخبة العصر، ترجمه‌ی محمدحسین جلیلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- تاریخ آل سلجوق در آناتولی ۱۳۷۷. تصحیح نادره جلالی، تهران: نشر میراث مکتوب.
- ترابی طباطبایی، جمال ۱۳۵۰. سکه‌های شاهان اسلامی ایرانی، ج ۲، تبریز: اداره‌ی کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.
- حسینی، صدرالدین ابوالحسن ۱۳۸۰. زبده التواریخ، اخبار امرا و پادشاهان سلجوقی، ترجمه‌ی رمضانعلی روح‌اللهی، تهران: ایل شاهسون بغدادی.

- راوندی، محمدبن علی بن سلیمان ۱۳۶۴. *راحة الصدور و آية السرور، در تاریخ آل سلجوقی*، تصحیح محمد اقبال، تهران: امیرکبیر.
- شبانکاره‌ای، محمد ۱۳۶۳. *مجمع الانساب*، به کوشش میر هاشم محدث، تهران: امیرکبیر.
- طباطبایی، جواد ۱۳۷۳. *زوال اندیشه‌ی سیاسی در ایران*، تهران: کویر.
- قادری، حاتم ۱۳۷۰. *اندیشه‌های سیاسی غزالی*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- کسای، نورالله ۱۳۷۴. *مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن*، تهران: امیرکبیر.
- مؤید ثابتی، علی ۱۳۶۳. *اسناد و نامه‌های تاریخی از اوایل دوران اسلامی تا اواخر عهد شاه اسماعیل صفوی*، تهران: طهوری.
- نیشابوری، ظهیرالدین ۱۳۳۲. *سلجوقنامه*، تهران: کلاله‌ی خاور.
- هولت. پی.ام و همکاران ۱۳۸۳. *تاریخ اسلام کمبریج*، ترجمه‌ی تیمور قادری، تهران: امیرکبیر.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی